

تبیین نظم شهر اسلامی بر اساس احکام ثابت

اصغر مولایی *

دکتری شهرسازی، مربی؛ دانشگاه هنر اسلامی؛ تبریز؛ ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳)

چکیده

نظم شهر اسلامی را می‌توان با نظم فطری تعریف و تبیین کرد. نظم یک بایسته فطری و بدیهی در خلقت الهی است که در ابعاد مختلف و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی، طبیعی و اعتقادی امکان بررسی و مطالعه دارد. نظم فطری هم بنا به آیات قرآن بر اصول ثابت و تغییرناپذیری استوار است. احکام ثابت، همان قانون‌های شریعت هستند که بر اساس فطرت انسان برای انسان‌ها وضع شده است. احکام اعتباری، قانون‌های متغیر هستند که بر طبق نیاز و مصلحت جامعه در دوره‌های مختلف ایجاد می‌شوند. در این زمینه پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از اینکه اصول و احکام ثابت و نظم‌دهنده در شهر اسلامی چیست؟ ویژگی‌ها و معیارهای عملی احکام ثابت در شهر اسلامی کدامند؟ احکامی که بر زندگی مسلمانان تأثیر می‌گذارند و به‌عنوان سیستم نظم‌دهنده، شهر اسلامی را شکل می‌دهند و تعریف می‌کنند. احکام ثابت و فطری به‌عنوان قانون‌ها و اصول تغییرناپذیری در شهر اسلامی در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف ثابت بوده و تبعیت از آنها امری فطری و الهی است. احکام ثابت را می‌توان در قالب چهار دسته قانون‌های اخلاقی، عبادی، اجتماعی، خلقت زیست‌محیطی دسته‌بندی کرد. همچنین مهم‌ترین شاخص و معیار ثابت در شهر اسلامی قاعده حلال و حرام بوده که همیشه ثابت و تغییرناپذیر است. قانون‌ها و مقررات اعتباری در شهر اسلامی قراردادهایی هستند که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برای تأمین نیازهای مختلف جامعه و حل مسائل آن و نیز توسعه و پیشرفت شهری و جامعه، به شرط هماهنگی و تبعیت از احکام ثابت تدوین و اعمال می‌شوند.

واژگان کلیدی

احکام اعتباری، احکام ثابت، شهر اسلامی، فطرت، نظم.

مقدمه

اسلام به عنوان دین آخرین پیامبر خدا (ما کان محمد أباً أحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین)^۱ دین کامل و جاودانه الهی است (ألیوم أكملت لكم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الإسلام دیناً)^۲ که برای همه افراد بشر و در همه عصرها و زمانه‌ها معتبر است (و ما ارسلناک إلا کافّة للناس)^۳. خاتمیت و جاودانگی اسلام از ضروریات دین و بی‌نیاز از اثبات خواهد بود. لازمه جاودانی بودن اسلام این است که احکام آن ثابت بماند و با گذشت زمان و در اقوام مختلف تغییر نکند، چرا که ثابت نماندن آن در همه احوال، به این معناست که توانایی تأمین نیازهای انسان را در شرایط جدید ندارد و این بر خلاف فرض جاودانگی آن است (علی اکبریان، ۱۳۹۴: ۱۷).

قرآن در سوره روم پس از استدلال بر اثبات مبدأ و ضرورت معاد، می‌فرماید: «فاقم وجهک للذین حنیفا؛ چهره جانت را به سمت دین الهی و مجموعه معارف و قانون‌های الهی که حنیف است، متوجه نما و استوار بدار». زیرا دین موجه الهی، اسلام است و غیر از اسلام نه راه صحیحی وجود دارد و نه هدف انسان تأمین می‌شود.

از منظر قرآن نه تنها دین اسلام تحمیل بر فطرت نیست. بلکه پاسخ مثبت به ندای فطرت است: «فطرت الله التي فطر الناس علیها» دین الهی را که همان فطرت خداست بگیر (روم: ۳۰). اخذ دین خدا و دعوت به آن به منزله ترغیب به فطرت و دریافت فطرت خداخواه و خداجوی آدمی است، چنانکه اخذ فطرت و نگهبانی از آن، همان دریافت اسلام و نگهداری آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۵ - ۲۸).

انسان به دنبال هر چیزی که می‌رود و هر هدفی را که می‌جوید، واقع و حقیقت آن را می‌خواهد و هرگاه بر وی روشن شود که اشتباه کرده و راه خطا پیموده است، از خطای

۱. احزاب: ۴۰

۲. مائده: ۳

۳. سبأ: ۲۸ و قلم: ۵۲

خود متأسف می‌شود. با تمسک به همین نکته، علامه انسان را به حسب غریزه و فطرت، در جست‌وجوی واقع و پیرو حق معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۷۰ - ۶۹). وی در موضع دیگری می‌گوید: حتی کسانی چون سوفسطاییان که علم قطعی را انکار می‌کنند، اگر چیزی به آنان گفته شود که به‌هیچ‌وجه در آن تردید نکنند، با کمال خضوع آن را خواهند پذیرفت، و این شاهدی بر حق‌گروی فطری انسان است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۷۴).

همان‌طور که هست و نیست‌های دین مثل اعتقاد به خدا و ابدیت‌خواهی، فطری انسان است، باید و نبایدهای دین نیز این‌گونه است؛ یعنی مقتضیات تکوینی و خواسته‌های نفس است که خدا به وی الهام کرده است: «و نفس و ما سویها، فالهمها فجورها و تقویها» (شمس: ۷ و ۸) قسم به نفس انسان و آن کس که او را مستوی و بدون نقص بیافرید و به او فجور و تقوا را الهام کرد. بر اساس این آیه، انسان یک سلسله بدی‌ها و خوبی‌های معین دارد، چون در آیه: «الفجور و التقوی» ذکر نشد و به‌جای آن: «فجورها و تقویها» به‌کار رفت. از این‌رو نمی‌توان همه کارها را برای انسان یکسره روا یا ناروا دانست. پس انسان دارای فجور و تقواست و این فجور و تقوا همان باید و نبایدهای فطری هستند. ریشه باید و نبایدها همان فجور و تقواست و تقوای نفس است که خدا اصول اولیه آن را از راه الهام غیبی به انسان یاد داده و با وحی نازل، همه آن خطوط اعم از اصلی و فرعی را تبیین فرموده است. بر این اساس خطاب به او می‌گوید: «فطرت را بگیر» یعنی فجور و تقوایی را که به‌خوبی برای تو توجیه کرده‌ایم، مغتنم شمار که با خواسته ذاتی تو هماهنگ است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱).

فطرت به‌معنای عام شامل طبیعت نیز می‌شود و هر موجود طبیعی، مفطور خداست. زیرا «فاطر» بودن خداوند، به آفرینش موجود مجرد اختصاص ندارد. ظاهر آیه اول سوره فاطر که فرمود: «الحمد لله فاطر السموات والارض» (فاطر: ۱) ناظر به برخوردار بودن موجودهای مجرد و مادی از فطرت است. یعنی خداوند فاطر آسمان‌ها و همه آسمانی‌ها و زمین و همه زمینی‌ها است. فطرت به‌معنای خاص که در برابر طبیعت مطرح می‌شود، یعنی انسان مرکب از بدن مادی و روح مجرد است که طبیعت به بدن مادی او برمی‌گردد و فطرت به روح مجرد او، زیرا آنچه ادراک می‌کند و فراطبیعی را می‌فهمد و موجودهای

غیبی را با چشم ملکوتی خود مشاهده می‌کند و با آن عهد می‌بندد و خود را بدهکار و مورد معاهده غیبی می‌داند و به ربوبیت خدا اعتراف می‌کند و به عبودیت خویش نسبت به ذات اقدس الهی معترف است، همان روح مجرد انسانی بوده و اصالت این موجود مؤلف از بدن طبیعی و روح فراطبیعی از آن روح مجرد است که تدبیر بدن و اداره آن را بر عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸).

ویژگی امور فطری آن است که در همگان وجود دارند، گرچه شاید تحت تأثیر محیط و عوامل دیگر پنهان شده باشند. معارف حقه از قبیل توحید، معاد و مانند آنها اموری فطری هستند که پیامبران عظام الهی با تذکر آنها را نمایان می‌کنند. قرآن در یک نگاه جامع و دقیق اصل فطرت و امور فطری را به تصویر کشیده و این امر ما را به روش مؤثر و کارآمدی در توسعه نفس و نیل به معارف الهی رهنمون می‌کند. از این منظر غفلت از فطرت الهی انسان سبب ناکامی در شناخت انسان و به دنبال آن، سبب زیان‌های جبران‌ناپذیر بر انسانیت می‌شود. از جمله چنین زیان‌ها اینکه در تعلیم و تربیت تمرکز روح و ذهن انسان تنها مصروف عالم طبیعت شود و دنیای ژرف درون در حاشیه قرار گیرد. این امر به معنای انحراف انسان از مقتضای هستی خویشتن و تنزل وی در سطح پدیده‌های مادی و حیوانات است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۸).

احکام اسلام فقط شامل امور ثابت حیات انسان است، درباره اینکه چه اموری از حیات انسان ثابت و چه اموری متغیر است؟ می‌توان ابعاد مختلف زندگی انسان را در چهار بخش بررسی کرد:

الف) رابطه انسان با طبیعت: مانند نوع خوراک، پوشاک، مسکن و ابزار و وسائل مورد استفاده در زندگی.

ب) رابطه انسان با انسان‌های دیگر: مانند روابط خانوادگی، روابط اجتماعی در داخل یک جامعه و روابط اجتماعی بین جوامع که تنظیم این روابط در قالب قانون‌ها مدنی، قضایی، اساسی، بین‌الملل و مانند آن تجلی می‌کند.

ج) رابطه انسان با خود: مانند تهذیب نفس.

د) رابطه انسان با خدا: مانند پرستش (علی اکبریان، ۱۳۹۴: ۱۷ - ۱۹).

نظم شهر اسلامی را می‌توان با نظم فطری تعریف و تبیین کرد. نظم یک بایسته فطری و بدیهی در خلقت الهی است که در ابعاد مختلف و خرده‌نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و طبیعی، اعتقادی قابل بررسی و مطالعه است. نظم فطری هم بنا به آیات قرآن بر اصول ثابت و تغییرناپذیری استوار است. این اصول ثابت در فلسفه صدرایی و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که بسط فلسفه صدرایی است، احکام ثابت نامیده می‌شوند، که سایر احکام و قانون‌ها نیز باید سازگار با احکام ثابت وضع شوند. نظم در اندیشه ایرانی - اسلامی، همان نظم فطری بوده که بر احکام ثابت استوار است. از این رو پیچیدگی شهر ایرانی - اسلامی بر اساس نظم فطری تبیین‌پذیر خواهد بود که در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، فضایی و کالبدی قابل بسط و مطالعه است و هر کدام از این ابعاد شامل قانون‌ها و مقررات و ارزش‌ها و معیارهای برخاسته از احکام ثابت هستند و در هر نمونه مورد مطالعه، برخی از ابعاد نقش پررنگ‌تر و جایگاه مهمی را خواهند داشت.

تحقیق حاضر با روش تحلیلی - اسنادی و تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. بنابراین ضمن طرح مسئله و ضرورت نظم در شهر اسلامی، به تبیین اصول و احکام ثابت و ویژگی‌های آن در شهر اسلامی پرداخته شده است.

شهر ایرانی - اسلامی

اسلام دربرگیرنده بسیاری از اصول نظام اجتماعی است که سبب هماهنگی زندگی و ارتقای ابعاد اجتماعی - فرهنگی می‌شود. جامعه و جماعت یکپارچه، متحد و متعهد، در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است. خداوند بزرگ بر وظیفه الهی هر مسلمان در حفظ یکپارچگی اجتماعی یعنی تشکیل امت واحد تأکید دارد. بر همگان واضح است که اسلام پذیرای تمام مردم، صرف‌نظر از نژاد و عقیده بوده و بر عدالت اجتماعی ارج می‌نهد. این خود تنظیم‌کننده اجتماع است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴: ۴). دین مبین اسلام دارای شیوه زندگی، با ایده‌آل‌ها و آرمان‌های اجتماعی و نگرشی بر مدار ارزش‌هاست و نه قانون‌های خودکامه غرب یا قانون‌های مبتنی بر مکتب رئالیسم غرب (مرتضی، ۱۳۸۷). شهرهای

دوران اسلامی دارای سازمان ویژه‌ای هستند که بر برابری شهروندان و امکان دسترسی یکسان آنان به خدمات شهر استوار است و این سبب می‌شود که سازمان فضایی در شهرهای این دوران مبتنی بر تعریف مرکز خدمات عمومی، زیرسیستم‌ها، شامل محله‌های نیمه‌مستقل و مجموعه‌های خدمات و ساختاری باشد که در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نتیجه ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود اکثر شهرهای جهان اسلام، به‌واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول اجتماعی، اجرایی و سیاسی اسلامی است که خود را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نشان می‌دهد و این سبب شده است تا بر خلاف اختلافات اقلیمی، تاریخی، فرهنگی و قومی، شاهد روح مشترکی در شهرهای دوران اسلامی در تمام جهان اسلام باشیم (خالدیان، ۱۳۹۳: ۱۲). شهر اسلامی شهری است که همانند تحول ساکنان خود، در حال تحول باشد و همواره خویش را با نیازهای زمان و مکان و اهل خود و با استناد به مفاهیم، اصول و ارزش‌های اسلامی وفق خواهد داد. به‌عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی بالقوه است که در هر زمان و مکان با توجه به فناوری، مصالح، دانش، فرهنگ و هنر بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص خود را داشته باشد. شهر مسلمانان به شهری اطلاق می‌شود که یک یا مجموعه‌ای از خصوصیات زیر را دارا باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد؛ در دوره اسلامی رشد یافته باشد؛ توسط مسلمانان بنا شده باشد؛ در محدوده کشورهای مسلمان‌نشین واقع شده باشد؛ شهر کم‌و‌بیش از اصول و تعالیم اسلامی بهره‌مند باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲). شهر مسلمانان، شهری است که مسلمانان هر دیار آن را تا حدودی بر اساس قرائت خود از اسلام، منافع و فرهنگ پیشین خود (زرتشتی، هندو، مسیحی و ...) برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت می‌کنند. شهر اسلامی، شهری است که برای رسیدن به آن بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و نه خرده‌فرهنگ‌ها و عرف جوامع (برای برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت) تلاش شود. شهر آرمانی اسلامی، مدینه فاضله‌ایست بهشت‌گونه، ایده‌آل و آرمانی که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم و کاملاً بر اساس دین مبین اسلام برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت شود (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴: ۸).

جدول ۱. مهم‌ترین ویژگی‌های شهر اسلامی در ارتباط با نظم و وحدت (نگارنده)

نظریه پرداز	اوصاف شهر اسلامی	ارتباط با نظم
فارابی	مدینه فاضله، ضرورت زندگی اجتماعی برای رسیدن به سعادت	زندگی اجتماعی برای نیل به سعادت
علامه طباطبایی	ضرورت زندگی اجتماعی، احکام ثابت و متغیر، قواعد حلال و حرام	نظم اجتماعی با قاعده حلال و حرام
لیلا علی ابراهیم	تبیین شهر اسلامی از طریق قرآن و حدیث، آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) قواعد کلی نظریه و اصول اساسی یعنی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان را تشکیل می‌دهند، ارائه الگوهای مدیریت توسعه‌یافته در مناطق مسکونی - جذب مشارکت جماعت در حفاظت از فضاهای عمومی	نظم قرآنی شهر اسلامی نظم اجتماعی بر پایه احادیث پیامبر
هشام مرتضی	عدالت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احترام، مهربانی، تواضع، اعتدال و میانه‌روی	نظم و وحدت اجتماعی، الگوهای اخلاقی در اجتماع، اعتدال
کاستلو	نگاه اجتماعی به شهر در فرهنگ اسلامی - برتری جوامع شهری بر جوامع روستایی - برابری تمامی مسلمانان	عدالت اجتماعی
نجم‌الدین بemat	شهر و جامعه منسجم، گرم و متحد - تمام شهر به‌عنوان یک خانه - تفکر ایمانی و توحیدی در شهر اسلامی بارز است	انسجام و وحدت اجتماعی، نظم توحیدی
محمد نقی زاده	صفات شهر اسلامی در قرآن: توحید، عبودیت و عبادت، تقوا، هدایت، تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان، میانه‌روی	صفات قرآنی برای شهر اسلامی
سید حسین نصر	عدالت محوری، سیر از کثرت به وحدت، سیر از ظاهر به باطن	عدالت، سیر از کثرت به وحدت
خالدیان و دیگران	شریعت و احکام اسلامی برای رشد انسان - شهر اسلامی ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارد و عناصر کالبدی شهر در خدمت نظم اجتماعی؛ ساخت اجتماعی و سایر ابعاد شهری را معنادار می‌کند.	ماهیت اجتماعی و فرهنگی شهر اسلامی - نظم اجتماعی برگرفته از شریعت و احکام اسلامی
اتینگهاوزن، عثمان، موریس، ریچارد فرای، هیلن براند	اسلام اساساً دینی شهری و مدنی است - اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است - دین اسلام دارای یک فرهنگ عمومی است	نگاه تمدنی (نظم فرهنگی و اجتماعی برگرفته از سنت و احکام
مارسی	رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کند	نقش ایمان در نظم اجتماعی

ثابت‌ها و متغیرها در اندیشه اسلامی

فطرت انسان به معنای ویژگی‌هایی است که تکویناً در اصل خلقت و آفرینش انسان به‌کار

رفته‌اند و تکوینی نیز یعنی اینکه اکتسابی نیست، بلکه از نهاد انسان و سرشت او سرچشمه گرفته است. فطرت فقط در مورد انسان به کار می‌رود و از غریزه آگاهانه‌تر است. یعنی انسان یک سلسله فطریات دارد و می‌داند که چنین فطریاتی دارد، برخلاف غریزه که چه بسا به امیال خود آگاه است، اما به آن توجهی ندارد. بدون شک تعلیمات اسلامی بر اساس قبول سلسله‌ای از فطریات است، یعنی همه آن چیزهایی که امروز مسائل انسانی و ماورای حیوانی نامیده می‌شوند و اسم آنها را «ارزش‌های انسانی» می‌گذاریم، از نظر معارف اسلامی ریشه‌ای در نهاد و سرشت انسان دارند. فطریات انسان در دو قسمت است: یکی در ناحیه شناخت‌ها، درک‌ها و دریافت‌ها و دیگری در ناحیه خواست‌ها و میل‌ها.

قرآن کریم از «فطرت» به عنوان مبنای ثابت و بی‌زمان و مکان مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها نام برده و سنت الهی نیز بی‌تبدیل و تغییر وصف شده است. بر این مبنا می‌توان از جمله تجلیات سنت در انسان را همان فطرت ثابت دانست، که هر آنچه در عالم تحت ثبات قرار می‌گیرد، بر مبنای سنتی الهی خواهد بود. در قرآن کریم در آیاتی چند به عدم تغییر سنت الهی به عنوان امر بی‌بدیل و بی‌تحویل اشاره می‌شود که «... هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فاطر: ۴۳).

بر مبنای حکمت اسلامی، عالم هستی، انسان و زندگی او ذومرتبه معرفی می‌شوند و عمده‌ترین این مرتبه‌بندی در دو بعد ماده و معنا امکان تعریف دارد. افلاطون مشخصاً ثبات عالم، اشتراکات و شباهات را نه در دامنه عناصر مادی بلکه در حیطه معانی یا ایده‌های می‌یابد که متعلق به عالم ماورای ماده‌اند و از ثبات، سکون، وحدت و عینیت بهره‌تام دارند و به دنبال تجلیشان در عالم ماده، منشأ حضور نمادین صفات خویش، یعنی «وحدت، وجود، ثبات و اطلاق» در مخلوقات مادی دارای «کثرت، صیوروت، تغییر و نسبیت» می‌شوند (کرباسی، ۱۳۹۱: ۶۵).

هر انسانی (با قطع نظر از شرایط مختلف زمانی و مکانی) دارای یک سلسله غرایز و روحيات و خواست‌های درونی است که معرف وجود او هستند و او را از حیوانات جدا می‌کنند و این غرایز (و به اصطلاح این امور فطری) جزء حقیقت وجود اوست و با گذشت زمان هرگز تغییر نمی‌پذیرد. مثلاً، انسان یک موجود اجتماعی است که برای زندگی

دسته‌جمعی آفریده شده است. همچنین او در زندگی خود به تشکیل خانواده نیاز دارد و بدون این اجتماع کوچک، زندگی طبیعی برای او امکان‌پذیر نیست. بنابراین دو اصل، یعنی زندگی انسان به صورت این اجتماع «بزرگ» و «کوچک»، جزو حقیقت وجود اوست و هرگز از او جدا نمی‌شود؛ در این صورت قانون‌ها مربوط به برقراری نظم و عدالت اجتماعی و روابط حقوقی افراد و وظایف زن و شوهر در برابر یکدیگر، همواره باید ثابت و ابدی باشد؛ زیرا جامعه انسانی با تمام تحولات و تغییراتی که دارد، هرگز اصل «اجتماعی بودن» انسان را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین قانون‌هایی که برای حفظ اجتماعی بودن وی تنظیم می‌شود، هرگز تغییر نخواهد پذیرفت. همچنین زندگی انسان بر خلاف جانداران دیگر مانند زنبور عسل و مورچه که زندگی دسته‌جمعی دارند، بر اساس قانون تکامل نهاده شده‌اند. بنابراین قانون‌ها مربوط به اصول تکامل اجتماع باید همیشه ثابت و لایتغیر باشند. علاقه پدر و مادر به کودکان یک علاقه فطری و طبیعی است، حقوقی که بر این اساس - مانند ارث و تربیت - وضع می‌شود، باید ثابت و ابدی باشند. در این موارد نمونه‌های فراوان دیگری وجود دارد که مدلل می‌کند که اساس قانون‌های اسلامی را فطرت و غریزه ثابت و پایدار انسان تشکیل می‌دهد، در این صورت باید قانون‌های مربوط به آنها ابدی و دائمی باشند؛ زیرا درست است که قیافه اجتماع در هر عصر دگرگونی پیدا می‌کند، ولی انسان سده بیستم از نظر فطرت و روحیه و غریزه و تمایلات ثابت طبیعی مثل همان انسان سده دهم است و انسانیت و مشخصات و روحیات هر دو از نظر کلی یکی است و هرگز غرایز و مشخصات وجودی آنها دگرگون نشده‌اند (مکارم شیرازی و سبحانی، ۱۳۸۱، ۹۹).

علل احکام و مقرراتی که در جامعه اسلامی اجرا می‌شود، دو قسم مختلف هستند: احکام ثابت تغییرناپذیر و احکام و مقررات تغییرپذیر. احکام و قانون‌های آسمانی اسلامی که به واسطه وحی به رسول اکرم نازل شده است و ما آنها را شریعت اسلام و احکام‌الله می‌نامیم، به موجب مدارک قطعی که در کتاب و سنت وجود دارد، مقرراتی ثابت و تغییرناپذیر است و اجرای آنها و مجازات متخلفان آنها به دست مقام ولایت و رهبر اسلامی انجام می‌گیرد. مقررات اسلامی بر دو قسمند، و به عبارت دیگر در جامعه اسلامی دو نوع مقررات اجرا می‌شود:

قانون‌های ثابت و ابدیت دین و شریعت

احکام آسمانی و قانون‌ها شریعت که مواردی ثابت و احکام تغییرناپذیرند، این‌ها سلسله احکامی هستند که به وحی آسمانی به‌عنوان دین فطر نسخ‌ناشدنی بر رسول اکرم (ص) نازل شده‌اند و برای همیشه در میان بشر واجب‌الاجرا معرفی شده‌اند، چنانکه در آیه اشاره می‌شود: «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم؛ با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است ... تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است» (روم: ۳۰) و در سنت نیز وارد شده است: «حلال محمد حلال الی یوم القيامة و حرام محمد حرام الی یوم القيامة؛ حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام محمد حرام است تا روز قیامت» (کلینی، ۱۴۲۳).

علامه طباطبایی جامعه را همانند پیکره زنده‌ای متشکل از عناصر گوناگون می‌داند. جامعه متشکل از اجزای گوناگون (افراد، نهادها و سازمان‌ها) را دارای وجودی مستقل و حقیقی دانسته که برای آن قانون‌های مستقل از قانون‌های افراد است. از نظر علامه طباطبایی انسان موجودی اجتماعی بوده و برای زندگی اجتماعی که از مقتضیات اولیه طبیعت اوست، به نظم، امنیت، تعاون، عدل و داد نیاز دارد تا بتواند با هموعان خویش دارای روابط سالم باشد و با تعاون و معاضدت، به زندگی جمعی خود ادامه دهد که البته تأمین این امور جز با ایجاد یک قدرت مدیر و مدبر که ما نام آن را حکومت گذاشته‌ایم، ممکن نیست. تحقق عدالت اجتماعی، روابط و مناسبات سالم انسانی و حفظ کیان و کرامت آدمی، جز در پرتو احکام الهی ممکن نیست. طرز حکومت‌های اسلامی را در هر عصر، با در نظر گرفتن سه ماده ثابت شرع اسلام باید تعیین کرد: ۱. مسلمین تا آخرین حد ممکن باید در اتحاد و اتفاق بکوشند؛ ۲. حفظ مصلحت اسلام و مسلمین برای همه واجب است؛ ۳. مرز جامعه اسلامی اعتقاد است و بس، نه مرزهای طبیعی یا قراردادی. دو نوع احکام ثابت و متغیر در اسلام، منشأ قانونگذاری برای اداره جامعه اسلامی است. شکل اداره جامعه اسلامی، تابع سه ماده ثابت شرعی است: احکام الهی، مصلحت مسلمین و وحدت امت اسلامی (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷).

در میان همین قانون‌های مدنی نیز نمونه‌های بسیاری از مواد ثابت داریم، مانند: وجوب زندگی اجتماعی و اصل دفاع از مقدسات و اصل اختصاص مالی و تأسیس حکومت و

نظایر آنها. پس در هر قانون و روش اجتماعی که فرض شود، از یک رشته مواد ثابت چاره‌ای نیست و مواد و قانون‌های ثابت که اسلام تشخیص می‌دهد، احکامی است که مجموعاً شریعت نامیده می‌شود.

قانون‌های متغیر و مصلحت جامعه

مقرراتی است که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته و به‌حسب مصلحت وقت وضع و اجرا می‌شود، این نوع مقررات در بقا و زوال خود تابع مقتضیات و موجبات وقت است و حتماً با پیشرفت مدنیات و تغییر مصالح و مفساد تغییر و تبدیل می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۷۵ - ۷۹). این احکام و مقررات جنبه موقتی و محلی دارد و با اختلاف طرز زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند. این بخش با پیشرفت تدریجی مدنیت، تغییر و تبدیل قیافه اجتماعات و به وجود آمدن و از بین رفتن روش‌های تازه و کهنه، تغییرپذیر است.

تبیین ثابت‌ها و متغیرها در شهر ایرانی - اسلامی

احکام ثابت و متغیر در اندیشه اسلامی در جامعه اسلامی و شهر اسلامی را می‌توان به شکل جدول زیر در شهر ایرانی - اسلامی تبیین کرد:

از دیدگاه شهید مطهری نیازهای انسان بر دو گونه است: نیازهای واقعی که خود ثابت و لایتغیر است و نیازهایی که بیشتر حکم ابزار و وسیله را دارند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۳۴ - ۱۳۵). نیازهایی که به معنای زندگی انسان مربوط هستند، ثابت است و نیازهایی که به شکل و صورت زندگی ارتباط دارد، متغیر و متحول است (مطهری، ۱۳۷۰: ۴۷۷). بر این اساس قانون‌های اصلی و قانون‌های فطری که اصول هستند، ثابت و لایتغیرند؛ ولی یک سلسله قانون‌هایی هستند که فرع و شاخه‌اند و متغیرند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۷۵). چرا که در سیستم قانونگذاری اسلام، برای نیازهای ثابت، قانون ثابت و برای نیازهای متغیر قانون متغیر (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۲۶).

از نظر شهید مطهری، قانون‌های اسلامی مشتمل بر چهار دسته‌اند: ۱. رابطه انسان با خدا که همان عبادت است و تغییرات در آن تأثیر ندارد، یا خیلی کم و در شکل آن اثر دارد، که عبادت یکی از خُلق‌های تغییرناپذیر است (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۹)؛ ۲. آنچه مربوط به رابطه انسان با خود اوست که اصطلاحاً اخلاق نامیده می‌شود و اخلاق ثبات دارد؛ اینکه انسان

خودش برای خودش چگونه باید باشد؟ اخلاق شخصی و فردی انسان چگونه باید باشد؟ انسان چگونه باید خودش را بسازد؟ آنچه قرآن آن را تزکیه نفس می‌نامد: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَقَهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا» (شمس: ۹ و ۱۰)؛ ۳. آنچه مربوط به رابطه انسان با طبیعت است؛ یعنی ارتباط انسان نه با خودش و نه با خدا، بلکه با خلق خدا، آن هم غیر از انسان‌های دیگر؛ اینکه رابطه انسان با زمین، گیاهان و حیوانات چگونه و بر چه اساس باید باشد؟ که این قانون‌ها نیز چندان تغییر نمی‌کند؛ ۴. آنچه به رابطه انسان با انسان مربوط است و از همه بیشتر دستخوش تغییر و تحول می‌شود، به رابطه انسان با انسان مربوط است؛ قانون‌هایی که مربوط است به روابط انسان‌ها با یکدیگر که خیلی تغییر می‌کنند؛ چون جامعه متغیر و متحول است. اینکه می‌گویند رابطه انسان با انسان متغیر است، پس قانون‌ها هم باید متغیر باشد، به این کلیت درست نیست. قانون‌ها عبارت است از حقوق و تکالیف، یعنی بایدها و وظایفی که افراد نسبت به یکدیگر دارند. آن تغییراتی که در روابط انسان‌ها باهم ایجاد می‌شود، یک سلسله تغییراتی که در آن مثلاً ارتباط انسان‌ها با هم عوض می‌شود، ولی این به حقوق و تکالیف ربطی ندارد ... (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۹ - ۳۲).

در اسلام رابطه انسان با طبیعت رابطه کشاورز با مزرعه؛ رابطه بازرگان با بازار تجارت است، رابطه عابد است با معبد. برای کشاورز، مزرعه هدف نیست، وسیله است؛ یعنی محل زندگی و کانون زندگی کشاورز، شهر است اما از این مزرعه وسایل خوشی و سعادتش را به دست می‌آورد. یک کشاورز باید به مزرعه برود و زمین را شخم بزند، بذر بپاشد و زمین را آباد کند. بعد که محصول روید، اگر علف هرزه‌ای پیدا شد، وجین کند و بعد درو و سپس خرمن کند. کلام پیامبر است که: «الْدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ؛ دنیا کشتزار عالم آخرت است». بله، اگر کشاورز مزرعه را با خانه و مقر خود اشتباه کند، خطا کرده است. مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای یک بازرگان جای کار است که سرمایه و عمل و تلاشی را برای سود و درآمد بیشتری به کار اندازد و برآنچه دارد، بیفزاید. دنیا هم برای انسان چنین چیزی است (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲۳: ۲۲۱).

همچنین آیت الله جوادی آملی تعامل انسان را در پنج بخش بررسی کرده‌اند: ۱. تعامل انسان با خود شامل احکام و دستورات و توصیه‌های اسلامی درباره تفکر و تدبیر، یادگیری و

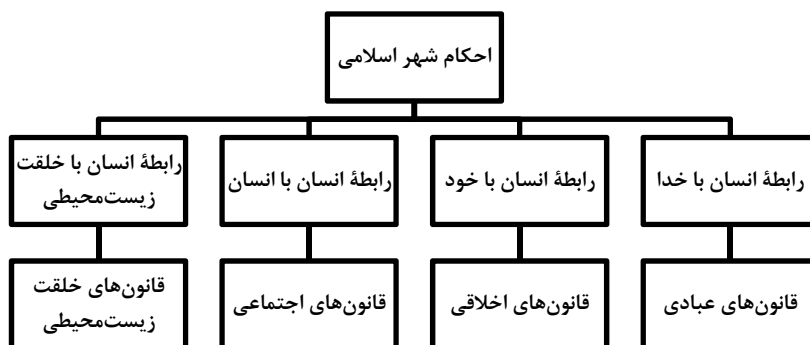
دانش‌اندوزی، کار و تلاش، حفظ تن و حرمت اضرار به نفس، نظافت و بهداشت، خوردن و آشامیدن، لباس و پوشش، زینت و آراستگی، مسکن، مسافرت، خواب و بیداری، تفریحات سالم و ورزش؛ ۲. **تعامل انسان با هموعان** که انجام دادن اعمال و مناسبات عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را تنظیم می‌کند؛ ۳. **تعامل مردم و نظام اسلامی** دارای چهار بخش نظام سیاسی، اجتماعی، شهرسازی و خدمات عمومی و اقتصادی است؛ ۴. **تعامل انسان با حیوان** که شامل سه بخش است که عبارتند از: نگهداری حیوان، بهره‌گیری از حیوان و حقوق حیوان؛ ۵. **تعامل انسان با خلقت زیست‌محیطی** که شامل ۹ بخش محیط‌زیست، آب و هوا و خاک حاصلخیز، درختان و جنگل‌ها، فضای سبز و مراتع، باد و باران، دریاها و نهرها، راه‌ها، مواد سوختی و گردشگری است (جوادی آملی، ۱۳۹۴).

بنابراین احکام ثابت و متغیر در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که شهید مطهری آن را در چهار طبقه و آیت‌الله جوادی آملی آن را در پنج طبقه بر اساس نیازمندی‌ها و تعاملات انسان دسته‌بندی و برای شهر ایرانی _ اسلامی به‌صورت زیر تبیین کرد:

۱. **قانون‌های عبادی (رابطه انسان با خدا):** ویژه انسان است و شامل تمامی قانون‌های عبادی و نیایشی می‌شود که مسلمانان مکلف به انجام دادن آن هستند. احکام نماز، روزه، زکات و خمس، جهاد و ... از این قبیلند.
۲. **قانون‌های اخلاقی (رابطه انسان با خود):** شامل تمامی اخلاقیات، فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی می‌شود. رعایت حلال و حرام، توجه به حیا و عفت، احترام و تواضع، نوع‌دوستی، قناعت و پرهیز از حرام، دروغ، اسراف، خیانت و ریا و ... از این قبیل هستند.
۳. **قانون‌های اجتماعی (رابطه انسان با انسان):** شامل تمامی قانون‌های اجتماعی می‌شود که در شهر اسلامی مسلمانان موظف به در نظر گرفتن آنها هستند. حقوق انسان‌ها بر یکدیگر. قانون ارث، حق مالکیت، حقوق همسایگی، قاعده لاضرر، اصل وجوب زندگی اجتماعی، مصلحت اجتماع، ازدواج و ... از این قبیلند.
۴. **قانون‌های خلقت زیست‌محیطی^۱ (رابطه انسان با خلقت زیست‌محیطی):** شامل

۱. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، در این دسته از تعاملات به‌جای واژه «طبیعت» از واژه «خلقت» استفاده می‌شود.

تمامی قانون‌ها و احکامی است که مسلمانان در ارتباط با خلقت زیست‌محیطی موظف به در نظر گرفتن آنها هستند. پرهیز از اسراف و هدر دادن منابع طبیعی و آزار نرساندن به سایر مخلوقات، و ... از این قبیل هستند (مطهری، ۱۳۸۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴).



شکل ۱. احکام ثابت در شهر اسلامی با اقتباس از دیدگاه شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی

(مأخذ پایه: مطهری، ۱۳۸۲: ۴۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴)

متغیرها در شهر اسلامی

شهید مطهری در کتاب «شش مقاله» در خصوص متغیرها چنین پاسخ می‌دهد: آیا درست است که همه نیازمندی‌های بشر در تغییر است و با تغییر نیازمندی‌ها، قانون‌ها و مقررات مربوط به آنها تغییر می‌کند؟ جواب این است که نه تمام نیازمندی‌ها در تغییر است و نه لازمه تغییر نیازمندی‌ها این است که این اصول و قواعد اساسی زندگی تغییر کند. نیازمندی‌ها بر دو گونه است: نیازمندی‌های اولی و نیازمندی‌های ثانوی. نیازمندی‌های اولی از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. تا انسان انسان است و تا زندگی وی زندگی اجتماعی است، آن نوع نیازمندی‌ها هست. این نیازمندی‌ها یا جسمی است یا روحی و یا اجتماعی. نیازمندی‌های جسمی از قبیل نیازمندی به خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و غیره؛ نیازمندی‌های روحی از قبیل علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت؛ نیازمندی‌های اجتماعی از قبیل معاشرت، مبادله، تعاون، عدالت، آزادی و مساوات. نیازمندی‌های ثانوی نیازمندی‌هایی هستند که از نیازمندی‌های اولی ناشی می‌شوند. نیازمندی به انواع آلات و وسایل زندگی در هر عصر و زمانی که با عصر و زمان دیگر فرق می‌کند، از این نوع است. نیازمندی‌های اولی، محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است، اما

نیازمندی‌های ثانوی ناشی از توسعه و کمال زندگی هستند و در عین حال محرک به‌سوی توسعه بیشتر و کمال بالاترند. تغییر نیازمندی‌ها و نو شدن و کهنه شدن آنها به نیازمندی‌های ثانوی مربوط است. نیازمندی‌های اولی نه کهنه می‌شود و نه از بین می‌رود؛ همیشه زنده و نو است. پاره‌ای از نیازمندی‌های ثانوی نیز چنین است. از آن جمله است نیازمندی به قانون. نیازمندی به قانون ناشی از نیازمندی به زندگی اجتماعی است و در عین حال دائم و همیشگی است. بشر هیچ زمانی بی‌نیاز از قانون نخواهد شد. یک قانون اساسی اگر مبنا و اساس حقوقی و فطری داشته باشد، از یک دینامیسم زنده بهره‌مند باشد، خطوط اصلی زندگی را رسم کند و به شکل و صورت زندگی که وابسته به درجه تمدن است پردازد، شاید با تغییرات زندگی هماهنگی کند، بلکه رهنمون آنها باشد. قانون هر اندازه کلی و معنوی باشد و توجه خود را نه به شکل‌های ظاهری اشیا بلکه به روابط میان اشیا یا میان اشخاص معطوف کرده باشد، شانس بقا و دوام بیشتری دارد (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۹ - ۵۲).



شکل ۲. دسته‌بندی نیازمندی‌های انسان از دیدگاه شهید مطهری

(مأخذ پایه: مطهری، ۱۳۸۲: ۴۹).

حکومت یا امام می‌تواند در چارچوب آن دسته از احکام حکومتی که به او واگذار شده و قطعاً از دایره اعمال فردی کسان بیرون است، بر حسب نیاز جامعه حکم کند و تغییری پدید آورد، هرچند این تغییر به ظاهر اجتهادی در برابر نص نیز باشد. چه همه مسلم می‌دانند که شرع در پی عدالت است و همه احکام و قانون‌ها جز ابزارهایی برای تحقق بخشیدن به عدالت نیستند؛ از نظر امام خمینی (ره) «احکام مطلوباتی بالعرض و اموری عالی برای اجرای حکومت و گستراند عدالت هستند» (صابری، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

جدول ۲. بررسی ثابت‌ها و متغیرها در شهر ایرانی - اسلامی

ثابت‌ها (امور فطری)					ثابت‌ها / متغیرها
نیازمندی‌های اولی و ثانوی در جامعه / شهر اسلامی					
قانون‌ها (ثابت‌ها)					جامعه / شهر اسلامی مصادیق در
قانون‌های عبادی	قانون‌های اخلاقی	قانون‌های اجتماعی	قانون‌های خلقت زیست‌محیطی	مأخذ اصلی	
احکام عبادی، احکام نماز و روزه و خمس و زکات، مسجد، حج، دفاع از مقدسات، جهاد، واجبات و محرمات	فضایل اخلاقی: حلال، حیا و عفت، تقوا، احترام، تواضع و عدالت، نوع‌دوستی، قناعت، رذایل اخلاقی: دوری از حرام، دروغ، خیانت، اسراف، ربا، دنیاپرستی	حق الناس، قانون ارث، خدمت به خلق، حقوق همسایگی، قاعده لاضرر، مصلحت اجتماع، ازدواج؛ قانون‌های جزاء احکام مبادلات و ...	احکام مربوط به نعمت‌های خدا، احکام مربوط به سایر جانداران؛ احکام و قانون‌های مربوط به آب، خاک و هوا، احکام گیاهان و درختان، بهداشت و پاکیزگی و محیط زیست و ...	(مطهری، ۱۳۷۰)، (مطهری، ۱۳۸۰)، (مطهری، ۱۳۸۱)، (مطهری، ۱۳۸۲)، (مطهری، ۱۳۸۳) و (جوادی آملی، ۱۳۹۴)؛ (طباطبائی، ۱۳۷۵)	
نظم متنوع در شکل آیین‌ها در عین وحدت، نظم متنوع در نمادهای مذهبی به اشکال مختلف در طول تاریخ	پرهیز از اسراف و زیان رساندن در طبیعت، تواضع نسبت به بناهای عمومی و مساجد، نظم متنوع در اشکال محرمیت، وسع و توانایی در احداث بناهای خصوصی به اشکال مختلف در طول تاریخ	تنوع در صورت زندگی اجتماعی، تنوع در بناها و امکانات عام‌المنفعه، نظم متنوع در فضاهای عمومی به اشکال مختلف در طول تاریخ، نظم متنوع در نظام مالکیت و تقسیم زمین	نظم متنوع در محیط‌آرایی، پرهیز از زیان رساندن به حقوق خلقت زیست‌محیطی، سنت‌های گوناگون حفاظت و نگهداری محیط‌زیست درون شهری و برون شهری،	(مطهری، ۱۳۸۱)، (مطهری، ۱۳۸۲)، (مطهری، ۱۳۸۳) و (طباطبائی، ۱۳۷۵)	
تنوع ناشی از گوناگونی ویژگی‌های جسمی و روحی فردی و خانوادگی و اجتماعی (وراثتی و فرهنگی) مانند توانایی هنری و اجتماعی	توان‌های مختلف افراد مانند توان‌های اقتصادی که فرم‌های مختلف در خانه و املاک را به‌وجود می‌آورد یا توان‌های مختلف علمی، هنری و اجتماعی که تأثیرات متنوعی را به‌دنبال دارد؛ مانند وقف در بازار تبریز که از توان اقتصادی و اعتقادی واقفان ناشی می‌شود.	توان‌های مختلف افراد مانند توان‌های اقتصادی که فرم‌های مختلف در خانه و املاک را به‌وجود می‌آورد یا توان‌های مختلف علمی، هنری و اجتماعی که تأثیرات متنوعی را به‌دنبال دارد؛ مانند وقف در بازار تبریز که از توان اقتصادی و اعتقادی واقفان ناشی می‌شود.	توان‌های مختلف افراد مانند توان‌های اقتصادی که فرم‌های مختلف در خانه و املاک را به‌وجود می‌آورد یا توان‌های مختلف علمی، هنری و اجتماعی که تأثیرات متنوعی را به‌دنبال دارد؛ مانند وقف در بازار تبریز که از توان اقتصادی و اعتقادی واقفان ناشی می‌شود.	ژنتیک	
آلات و وسایل زندگی، تنوع ناشی از نیازهای گوناگون فردی و اجتماعی مانند نیازهای عبادی، تفریحی، تولیدی و ...	نظم متنوع ناشی از قانون‌ها و سنت‌ها، توانایی‌ها و فناوری‌ها و امکانات زندگی، ساخت‌وساز، حمل‌ونقل و ارتباطات در طول تاریخ اسلام	نظم متنوع ناشی از قانون‌ها و سنت‌ها، توانایی‌ها و فناوری‌ها و امکانات زندگی، ساخت‌وساز، حمل‌ونقل و ارتباطات در طول تاریخ اسلام	نظم متنوع ناشی از قانون‌ها و سنت‌ها، توانایی‌ها و فناوری‌ها و امکانات زندگی، ساخت‌وساز، حمل‌ونقل و ارتباطات در طول تاریخ اسلام	نیازها	
نظم متنوع ناشی از فرهنگ‌ها و الزامات محیطی مناطق مختلف اقلیمی و فرهنگی (آب و هوا و مصالح و دمای آسایش و قابلیت‌های محیطی)، تنوع ناشی از قابلیت‌ها و استعدادها و متفاوت محیطی و مکان‌های مختلف مانند قابلیت یک مکان در تولید محصول خاصی و ایجاد کارکردها و فضاهای مربوط مانند صنوف چرم و کفش و فرش در تبریز	نظم متنوع ناشی از فرهنگ‌ها و الزامات محیطی مناطق مختلف اقلیمی و فرهنگی (آب و هوا و مصالح و دمای آسایش و قابلیت‌های محیطی)، تنوع ناشی از قابلیت‌ها و استعدادها و متفاوت محیطی و مکان‌های مختلف مانند قابلیت یک مکان در تولید محصول خاصی و ایجاد کارکردها و فضاهای مربوط مانند صنوف چرم و کفش و فرش در تبریز	نظم متنوع ناشی از فرهنگ‌ها و الزامات محیطی مناطق مختلف اقلیمی و فرهنگی (آب و هوا و مصالح و دمای آسایش و قابلیت‌های محیطی)، تنوع ناشی از قابلیت‌ها و استعدادها و متفاوت محیطی و مکان‌های مختلف مانند قابلیت یک مکان در تولید محصول خاصی و ایجاد کارکردها و فضاهای مربوط مانند صنوف چرم و کفش و فرش در تبریز	نظم متنوع ناشی از فرهنگ‌ها و الزامات محیطی مناطق مختلف اقلیمی و فرهنگی (آب و هوا و مصالح و دمای آسایش و قابلیت‌های محیطی)، تنوع ناشی از قابلیت‌ها و استعدادها و متفاوت محیطی و مکان‌های مختلف مانند قابلیت یک مکان در تولید محصول خاصی و ایجاد کارکردها و فضاهای مربوط مانند صنوف چرم و کفش و فرش در تبریز	شیوه	
نظم متنوع ناشی از قانون‌ها و سنت‌ها، توانایی‌ها و تمایلات در زمان‌های مختلف (صدر اسلام، سلجوقی، صفوی، قاجار، پهلوی و معاصر)	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	مکان	
تشکیل جامعه اسلامی، تشکیل مدینه فاضله، کمال انسان‌ها - سعادت دنیوی و اخروی	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	زمان	
تشکیل جامعه اسلامی، تشکیل مدینه فاضله، کمال انسان‌ها - سعادت دنیوی و اخروی	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	راهبرد	
تشکیل جامعه اسلامی، تشکیل مدینه فاضله، کمال انسان‌ها - سعادت دنیوی و اخروی	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	اعتدال - ثبات، وحدت - نظم و هماهنگی - همبستگی - اداره حیات شهر با برنامه الهی و شورا	غایت	

همچنین می‌توان گفت که **قانون‌ها متغیر** ناشی از تنوع و گوناگونی‌هایی هستند که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف با توجه به نیاز و شرایط جامعه وضع می‌شوند: تنوع ناشی از گوناگونی ویژگی‌های جسمی و روحی فردی و خانوادگی و اجتماعی (وراثتی و فرهنگی) مانند توان‌های مختلف افراد مثل توان‌های اقتصادی که فرم‌های مختلف در خانه و املاک را به وجود می‌آورد یا توان‌های مختلف علمی، هنری و اجتماعی که تأثیرات متنوعی را به دنبال دارد؛ تنوع ناشی از قابلیت‌ها و استعداد‌های متفاوت محیطی و مکان‌های مختلف مانند قابلیت یک مکان در تولید محصول خاص و ایجاد کارکردها و فضاهای مربوط و تنوع ناشی از نیازهای گوناگون فردی و اجتماعی.

جدول ۳. بررسی احکام اعتباری در شهر اسلامی (مأخذ: نگارنده)

احکام ثابت تأثیرگذار بر احکام متغیر	احکام اعتباری	احکام متغیر
	مصادیق	
توحید، اصل تکامل اجتماعی، حریم و محرمیت، حیا و عفت، حلال و حرام، تقوا، اصل تکامل اجتماع، اصل وجوب زندگی اجتماعی، وحدت، مصلحت جامعه، ازدواج، قانون‌های مدنی و جزا، اعتدال و ...	تعمات اجتماعی، ممنوعیت اعمالی همچون شرابخواری و قماربازی و ...، قانون‌های آسایش و امنیت اجتماعی، روابط همسایگی	بعد اجتماعی
حلال و حرام، احکام خرید و فروش، ممنوعیت ربا، مصلحت جامعه، نظم، تقوا، عدالت و ...	آیین‌های عبادی و مذهبی (سوگواری، نیایش و ...)، سنت‌ها و آیین‌های ملی و محلی (از قبیل نوروز، سیزده‌بدر، جشن‌های ملی و محلی، زیارت و ...)	بعد فرهنگی
حقوق خداوند، قانون ارث، حق مالکیت، حقوق همسایگی، قاعده لاضرر	قانون‌های مالیات و عوارض، کمک‌های خیریه، وقف، قانون‌های اجاره‌بها، قانون‌ها	بعد اقتصادی
خانه و خانواده، اعتدال، محرمیت، پرهیز از اسراف و زیان رساندن در طبیعت، تواضع نسبت به بناهای عمومی و مساجد، زیبایی‌وسع و توانایی در احداث بناهای خصوصی، حقوق همسایگان، نظم	نظام مالکیت و تقسیم زمین، پرهیز از زیان رساندن به حقوق همسایگان در روشنایی و اشرافیت و دسترسی	بعد حقوقی
اصل تکامل اجتماعی - اعتدال، حریم و محرمیت، حیا و عفت، حلال و حرام، تقوا، اصل تکامل اجتماع، ممنوعیت خرید و فروش مواد حرام (مانند شراب)	قانون‌ها ساخت‌وساز در دوره‌های مختلف - قانون‌های تفکیک و تقسیم زمین، قانون‌های ایمنی و امنیت ملی و محلی، سنت‌های ساخت و ساز	بعد کالبدی
	مقررات استقرار کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلف در درون و بیرون شهر مانند ممنوعیت صنایع آلودگی‌زا و مزاحم در بیرون شهر، مقررات زمانی برای انجام دادن فعالیت‌ها در طول شبانه‌روز (مانند ساعت تعطیلی بازار)، ممنوعیت خرید و فروش مواد حرام (مانند شراب)	بعد کاربری و فعالیت‌ها

احکام ثابت تأثیرگذار بر احکام متغیر	احکام اعتباری	احکام متغیر
	مصادیق	
اصل وجوب زندگی اجتماعی، مصلحت جامعه، قاعده لاضرر، وحدت، تناسب، نظم، قانون‌ها جزا و ...	مقررات مربوط به آمد و شد انسان و وسایل نقلیه، عرض معابر، مقررات مربوط به عوارض وسایل حمل‌ونقل، آسایش عمومی، ایمنی و امنیت همگانی	بعد حمل و نقل
مصلحت جامعه، قاعده لاضرر، وحدت، قانون‌های اعتدال، جزا، تقوا، نظم، حقوق چهارپایان	قانون‌های استفاده از آب، مزارع و باغات، الزامات محیطی مناطق مختلف اقلیمی و فرهنگی (آب و هوا و مصالح و دمای آسایش و قابلیت‌های محیطی)	بعد زیست‌محیطی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظم شهر اسلامی را می‌توان با نظم فطری تعریف و تبیین کرد. نظم یک بایسته فطری و بدیهی در خلقت الهی است که در ابعاد مختلف و خرده‌نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و طبیعی، اعتقادی قابل بررسی و مطالعه خواهد بود. نظم فطری هم بنا به آیات قرآن بر اصول ثابت و تغییرناپذیری استوار است. این اصول ثابت در فلسفه صدرایی و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که بسط فلسفه صدرایی است، احکام ثابت نامیده می‌شوند، که سایر احکام و قانون‌ها نیز باید سازگار با احکام ثابت وضع شوند. نظم در اندیشه ایرانی - اسلامی، همان نظم فطری بوده که بر احکام ثابت استوار است. از این رو پیچیدگی شهر ایرانی - اسلامی بر اساس نظم فطری امکان تبیین دارد که در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، فضایی و کالبدی قابل بسط و مطالعه است و هر کدام از این ابعاد شامل قانون‌ها و مقررات و ارزش‌ها و معیارهای برخاسته از احکام ثابت هستند و در هر نمونه مورد مطالعه، برخی از ابعاد نقش پررنگ‌تر و جایگاه مهمی را خواهند داشت.

احکام ثابت به‌عنوان قانون‌ها و اصول تغییرناپذیری در شهر اسلامی در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف ثابت بوده و تبعیت از آنها امری فطری و الهی است. قانون‌ها و مقررات قراردادهایی هستند که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برای تأمین نیازهای مختلف جامعه و حل مسائل آن و نیز توسعه و پیشرفت شهری و جامعه تدوین و اعمال می‌شوند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در خصوص ثابت‌ها و متغیرها در شهر اسلامی می‌توان گفت:

- نظریه اعتباریات علامه طباطبایی که بسط فلسفه صدرایی است، بر جامعه، ضروریات،

احکام ثابت و متغیر جامعه اسلامی تأکید دارد. این احکام ثابت، نظم جامعه اسلامی را تعریف می‌کند و تبعیت احکام اعتباری از احکام ثابت ضروری است. بنابراین قانون‌ها، مقررات و قراردادهای عام و خاص شهر اسلامی باید در ادامه ثابت‌ها و سازگار با آن تعریف و تدوین شوند.

- شهر اسلامی، شهری است که در آن مسلمانان، با تکیه بر امور ثابت و بدیهی اسلامی منبعث از فطرت انسان، تلاش می‌کنند. در این شهر ضمن وجود مراتب مختلف در دستیابی به و عملی کردن آرمان‌ها و ثابت‌های تغییرناپذیر، نمودها و وجوه گوناگونی بر حسب شرایط مختلف زمانی و مکانی ایجاد می‌شود که در جهت کمال انسان‌ها، وحدت و سعادت حقیقی تلاش می‌کنند. شهر ایرانی - اسلامی حاصل تعامل سازه‌های نظری سیستمی و فرایندی است که نظم و تنوع را در آن متجلی می‌کنند. این سیستم نظم‌دهنده، همان احکام ثابت است که برخاسته از فطرت انسان‌ها و قانون‌ها و مقررات اسلامی است و تنوع آن همان متغیرهایی است که به امور قراردادی و فرایندهای محلی زمانی و مکانی مربوطند. حضور متعادل نظم و تنوع سبب ایجاد وحدت و ثبات، در عین تنوع و پویایی است.

- مهم‌ترین شاخص و معیار ثابت در شهر اسلامی، قاعده حلال و حرام است که در تمامی زمان‌ها ثابت بوده و قابل تبدیل و تحویل نیست. بنابراین مهم‌ترین سیستم نظم‌دهنده در شهر اسلامی قاعده حلال و حرام است که به‌عنوان شاخص تعیین‌کننده، شهر اسلامی را نظم می‌بخشد.

- ثابت‌های شهر اسلامی را می‌توان در پنج بخش قانون‌های طبیعی، عبادی، مدنی، حق‌الله و حق‌الناس و قانون‌های اخلاقی تعریف و بررسی کرد که فرم و محتوای شهر اسلامی را تشکیل می‌دهند و آن را به‌سمت هدف غایی یعنی سعادت حقیقی هدایت می‌کنند. سازگاری و هماهنگی تمامی قانون‌ها قراردادی در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها با احکام ثابت، شریعت اسلام ضروری و بدیهی است.

- آسیب‌شناسی وضع موجود شهرهای ایرانی با محوریت ثابت‌های شهر اسلامی، به رفع خلأ و نقص‌های متغیرها و قانون‌های ملی و منطقه‌ای و محلی در ابعاد مختلف کمک

می‌کند. قانون‌ها و مقررات قراردادی، که متغیرهایی برای حل مسائل و رفع نیازهای شهر اسلامی هستند باید با این راهبرد بازتعریف شوند.

- در بعد کالبدی شهر اسلامی ضرورت توجه به قانون‌های ثابت، به‌ویژه قانون‌های اخلاقی همچون اعتدال، قناعت، تقوا و پرهیز از دنیاپرستی، احترام به حقوق دیگران و مصلحت جامعه، نظم اسلامی را در شهر مسلمانان تقویت می‌کند.



منابع

۱. آلن، رمی (۱۳۸۸). مورفولوژی شهری: جغرافیا، معماری و آمایش شهری، ترجمه علی اشرفی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۲. اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابر، الک (۱۳۷۸). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۳. بلخاری، حسن (۱۳۸۷). قدر، نظریه بنیادی هنر، معماری و زیبایی در تمدن اسلامی، تهران، شورای انقلاب فرهنگی، هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ۱۶: ۶۶-۶۷.
۴. بمات، نجم‌الدین (۱۳۶۹). شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه استامبولچی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بیات، بهرام (۱۳۹۳). رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۱۳۷ - ۱۶۷.
۶. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۲). الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی - اسلامی، تهران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. _____ (۱۳۹۴). مفاتیح‌الحیاه، چاپ اول، ویراست دوم، قم: نشر اسراء.
۹. _____ (۱۳۸۹). فطرت در آئینه قرآن، فصلنامه علمی و پژوهشی انسان‌شناسی دینی، دوره ۷، شماره ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۹: ۵ - ۲۸.
۱۰. جهانگیر، عیسی (۱۳۸۳). اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبایی، تهران، مجله معرفت، شماره ۸۰: ۱۹ - ۲۸.
۱۱. حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱). شهرهای عربی - اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمان، ترجمه محمد حسین مالکی و عارف اقوامی مقدم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. _____ (۱۳۸۱). *شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی*، ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. خالدیان، ستار و دیگران (۱۳۹۳). *تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضایی شهری ایران*، تهران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۱۷: ۵ - ۱۸.
۱۴. دانشپور، سید عبدالهادی و روستا، مریم (۱۳۹۲). *چارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان بینی اسلامی و سنت شهرسازی مسلمانان*، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش های معماری اسلامی، سال اول، شماره اول: ۹ - ۲۴.
۱۵. ریمون، آندره (۱۳۷۰). *مقدمه ای بر شهرهای بزرگ عربی - اسلامی*، ترجمه حسین سلطانزاده، تهران: آگاه.
۱۶. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۳). *تأثیر اسلام در ساخت شهر. معماری و شهرسازی*، شماره ۲۵، ۲۶، دی - اسفند ۱۳۷۳.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). *بررسی های اسلامی*، ج ۱ - ۲، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۱۸. _____ (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. _____ (۱۳۳۲). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. _____ (۱۳۷۶). *ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ*، تدوین علی اصغر مصلح، تهران: انتشارات روزگار نو.
۲۱. _____ (۱۳۸۷). *معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر*، گردآوری توسط محمد بدیعی با مقدمه علامه حسنزاده آملی، چاپ چهارم، قم: انتشارات تشیع: ۷۵ - ۷۹.
۲۲. _____ (۱۳۸۸). *تعالیم اسلام*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، چاپ ۲، قم: بوستان کتاب.

۲۳. _____ (۱۳۸۸). *روابط اجتماعی در اسلام*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۲۴. عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶). *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
۲۵. علی اکبریان، حسنعلی (۱۳۹۴). *معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات*، ج ۱ و ۲، پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قابل دسترسی در پایگاه <http://islamicdoc.org>
۲۶. غفوری نژاد، محمد (۱۳۹۴). *نظریه فطرت و آرای جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبایی*، دوفصلنامه علمی و پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، دوره ۱۲، شماره ۳۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۴: ۵۱ - ۷۶.
۲۷. کاستللو (۱۳۶۸). *شهرنشینی در خاورمیانه*. ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی. تهران: نی.
۲۸. کرباسی، عاطفه (۱۳۹۱). *معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر*، فصلنامه علمی و پژوهشی هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۳، تهران: ۶۱ - ۷۰.
۲۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ق). *اصول کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، ج ۱: ۵۸، حدیث ۱۹.
۳۰. لیتکوهی، ساناز و سنجری، سپیده (۱۳۸۷). *مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج‌شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری*، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۳: ۴۱ - ۶۴.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *یادداشت‌های استاد شهید مرتضی مطهری*، جلد هفتم، چاپ اول: انتشارات صدرا.
۳۲. _____ (۱۳۷۷). *مجموعه آثار شهید مطهری*، ج ۴، تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. _____ (۱۳۸۰). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، چاپ دهم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۴. _____ (۱۳۸۱). *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۲، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات صدرا.

۳۵. _____ (۱۳۸۲). *ده گفتار*، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. _____ (۱۳۸۲). *شش مقاله*، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
۳۷. _____ (۱۳۸۳). *انسان کامل*، چاپ سی ام، تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). *پاسخ به پرسش‌های مذهبی*، چاپ دوم: نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۳۹. مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۸). *قوانین ثابت و متغیر*، قابل دسترسی در پایگاه <http://rasekhoon.net>
۴۰. موریس، جیمز (۱۳۸۱). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ج ۲: شهرهای اسلامی خاورمیانه و امپراتوری اسپانیا. ترجمه رضایه رضازاده. تهران: مهندسین مشاور فجر توسعه.
۴۱. نصر، حسین (۱۳۷۹). *نیاز به علم مقدس*. ترجمه حسن میانداری. قم: طه.
۴۲. _____ (۱۳۷۴). *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، نشر هنر (۲۸): ۴۵ - ۵۲.
۴۳. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷). *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*، قطب علمی معماری اسلامی، چاپ اول، وزارت راه و شهرسازی: دفتر معماری و طراحی شهری.
۴۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴). *آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام*، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، تهران، سال سوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۴: ۶۶ - ۶۷.
۴۵. _____ (۱۳۸۰). *صفات شهر اسلامی در متون اسلامی*، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، تهران: دانشگاه تهران.
۴۶. _____ (۱۳۹۴). *آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام*، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، تهران، سال سوم، شماره هشتم ۸.
۴۷. وبر، ماکس (۱۳۷۵). *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی. تهران: انتشار.
۴۸. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷). *معماری اسلامی*. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.